



«محمد غزالی» جدایی دین از سیاست را بدعت می‌داند

«محمد غزالی» معتقد است که اسلام یعنی حکومت دینی انسان‌های آزاد که خودشان و هدفشان را وقف راه دین و امت‌شان کردند و از این رو، طرح جدایی دین از دولت در اسلام بک بدعت است. به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، مقاله «تأملاتی در باب جدایی دین از سیاست در اسلام معاصر»، توسط «اروین روزنتال» نویسنده کتاب «تفکر سیاسی در اسلام میانه» و از محققان برجسته اندیشه سیاسی نوشته شده و توسط «سیدمهدی حسینی اسفیدواجانی» ترجمه شده و در آخرین شماره از ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت (شماره 5، مردادماه 1387) منتشر شده است.

در دوران معاصر تلاش‌های متنوعی برای درک و شناخت بهتر اسلام صورت گرفته است. متفکران اسلامی معاصر نیز پس از خاتمه دوران استعمار کهن در پی یافتن راه‌حلهایی برای مقابله با مخالفان اسلام خصوصاً غرب و ورود به دنیای جدید و چالش با مسایل عصر حاضر رفتند. یکی از این مسایل چالش انگیز جدایی دین از سیاست است که تجددخواهان و متفکران اسلامی معاصر را بر آن داشت تا با نگاهی به گذشته و تاریخ اسلام از دوران پیامبر تا عصر خلافت و سپس دوران کنونی نظرات خود را ابراز کنند.

نویسنده در این مقاله سه متفکر مهم اسلامی را در دوران معاصر؛ یعنی «رشید رضا»، «علی عبدالرازق» و «محمد غزالی» را برای تحلیل نظراتشان بر می‌گزیند و تنها سه کتاب عمده از این سه نفر را نیز مدنظر قرار می‌دهد. نظریه خلافت از جمله مسایل اصلی سیاسی در دنیای اسلام است که نویسنده ضمن تحلیل آرای سه متفکر فوق به آن پرداخته است. نویسنده معتقد است متفکران اسلامی نباید مسیحیت را با امپریالیسم مسیحی یکسان تلقی کنند. این مسیحیت نیست که اسلام را تهدید می‌کند، بلکه مسیحیت نیز به اندازه اسلام سنتی از ناحیه طرز فکر دنیوی و سکولار مورد تهدید است و ارتباط دادن استعمار به مسیحیت مشکلات را بیشتر خواهد کرد. واقعا مسأله مهم در اسلام معاصر این است که اسلام چیست؟، نه بحث‌هایی که معمولا امروزه انجام می‌شود مثل این‌که چه مقدار از شریعت را باید فعال یا اصلاح کرد و یا کنار گذاشت. از این رو پاسخی که امروزه مسلمانان در جواب به سؤالات اصلی از خود جویا می‌شوند به نگرش اساسی و فهم آنان از اسلام قرون گذشته و ارتباط آن با مشکلات عملی بستگی دارد. مسلمانان در کشورهای مستقل ملی خود در پی حل این مشکلات هستند. نویسنده در این‌جا با توجه به آموزه‌های قدیمی وحدت دینی و سیاسی اسلام و تفسیر آن در دهان معاصر به اسلام پرداخت.

نویسنده در این مقاله سه متفکر مهم

اسلامی را در دوران معاصر؛ یعنی «رشید

رضا»، «علی عبدالرازق» و «محمد غزالی» را

برای تحلیل نظراتشان بر می‌گزیند

هیچ چیزی جز يك بازگشت مضممانه به اسلام ناب نمی‌تواند این وضع را نجات بخشد؛ زیرا اسلام دینی جهانی است و الله تنها حاکم، شارع و داور است. بین‌المللی‌گرایی

(انترناسیونالیسم) و وحدت دینی و سیاسی اسلام از توحید محض آن نشأت می‌گیرد. طبق تعالیم اسلام، حقیقت، برادری و عدالت پایه محکم نظم جهانی را تشکیل می‌دهد.

غزالی برخلاف «خالد محمد خالد» مدعی است که این خداوند بود که پیامبر را در اقدامات سیاسی و اجتماعی‌اش هدایت می‌کرد نه شرایط. غزوات پیامبر جنگ‌هایی نبود که برای فتوحات صورت گرفته باشد، بلکه برای آزادی مردمی بود که تحت سلطه قرار داشتند و خالد محمد خالد که ادعا می‌کند نبوت بالاتر از حکومت است اشتباه می‌کند؛ زیرا حکومت دینی قدرت را نه برای خود، بلکه برای خیر همگان بکار می‌بندد و این اسلام حقیقی است. بدین سبب او از دیگران می‌خواهد که توبه کنند و به خداوند و کتابش رجوع کنند و شریعت الهی را بکار بندند.

ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت به صاحب امتیازی مؤسسه اطلاعات و مدیر مسئولی و سردبیری «انشاءالله رحمتی» هر ماه منتشر می‌شود که این شماره ویژه «سیدجمال‌الدین اسدآبادی» است.